

عنوان مقاله:

اندیشه های انتقادی سنایی در حدیقه

محل انتشار:

هشتمین همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

مهدی کارگر - استادیار، فرهنگ و زبانهای باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

خلاصه مقاله:

این مقاله بر آن است تا مثنوی حدیقه الحدیقه را از جنبه انتقادات اجتماعی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و مشخص کند که سنایی با کدام معیار و چه اندیشه ای جامعه عصر خود را مورد انتقاد قرار میدهد و جامعه عصر خود را چگونه یافته و چطور آن را توصیف می کند. با توجه به بافت سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی و سنت های فرهنگی و فکری آن از جمله عدم تسلط گفتمان انتقادی و نیز معطوف بودن عمده توجه تاریخ نگاران اعصار گذشته به ثبت و ضبط تاریخ وقایع و رجال سیاسی، نمی توان تصویری روشن از واقعیت طبقات اجتماعی و نیز آسیب شناسی آن ها، در متون تاریخی ملاحظه کرد. مقاله پیش روی، پژوهشی است در باب این اندیشه های انتقادی سنایی در حدیقه. گرچه در انتقادهای سنایی از هر طبقه، وجهی خاص، برجستگی عمده دارد از قبلی آنکه پادشاهان را به جهت بی عدالتی و ظلم، علما را به جهت ظاهربینی و دنیاطلبی، صوفیان را به جهت بیکارگی و کاسه گردانی، شاعران را به جهت بی شرمی غازیان را به جهت چپاول و غارت، قاریان قرآن را به سبب عدم تدبر و تفکر در آیات الهی و قس علی هذا، هر یک از طبقات اجتماعی را به دلیل و یا دلایلی مورد انتقاد قرار می دهد.

کلمات کلیدی:

اندیشه انتقادی، طبقات اجتماعی، جامعه شناسی تاریخی، سنایی، حدیقه الحدیقه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/319910>

